

پیمان نامه ولایتعهدی

حضرت علی بن موسی الرضا (ع)

خلاصه مقال :

عصر علمی، خاندان رسول، کشور اسلامی در عصر امام علیه السلام، دعوت از امام، ترجمه عهدنامه، اربلی گوید، ترجمه نوشته مامون یا عهد نامه، حلال و حرام، رسول اکرم (ص)، خلافت اسلامی، وظیفه خلیفه، ولایتعهدی، خواب عبدالله بن عمر خطاب، گواهی مامون درباره امام، بیعت نمودند، متن پیمان نامه ولایتعهدی بخط مامون .

آنچه باقی مانده :

ترجمه پاسخ امام درباره پیمان ولایتعهدی متن عهد نامه و

عصر علمی

عصر عباسی از لحاظ نشر علوم در محیط اسلامی از راه ترجمه کتب یونان و هند و ایران بزبان عرب وهم از نظر قدرت ظاهری اسلام و وسعت نطق مسلمین و جمع علوم و تعدد کتابخانهها و تمرکز دانشمندان و کثرت نویسندگان مختلف از نژادها و السنه گوناگون در محیط مسلمین عصر علمی اسلامی نام گرفته است (۱) .

خاندان رسول (ص)

این فضیلت و مزیت از آن خاندان رسول (ص) است که چون ستارگانی درخشان در تاریخ اسلام با پخش نور علم و ایمان، و ایمان و علم راه بشر را روشن نمودند خدمت بعلم این برگزیدگان الهی فقط تدریس و کتابت و بیان نظریه علمی نبوده است بلکه شبهای تار بارهای گران از آذوقه را بردوش کشیده و بخانه ایستام و مساکین رسانیده اند (۲) لهذا اهل عقل و بیش

۱ - بنابر آنچه در تاریخ اسلام و شرق چنین ثبت شده است و الا شیعیان راجع به این عصر نظریه‌هایی دارند .
 ۲ - عن هشام قال کان ابو عبدالله (ع) اذا اعتم و ذهب من اللیل شطره اخذ جرابا فیه خبز و لحم و الدرهم فحمله علی عنقه ثم ذهب بهالی اهل الحاجة من اهل المدينة فیقسمه فیهم ولا یعرفونه فلما مضی ابو عبدالله (ع) فقد و اذالك فعلموا انه کان ابو عبدالله (ع)
 (وافی باب صفة المؤمن)

بخوبی یقین کرده‌اند که براستی پیشوایان راستین خاندان رسول معصومین از خطا و گناهند . عمل صالح و ایمان خالص، خود سوختن و بیضای دیگران نور بخشیدن، و در نهان بیشتر از عیان برفع عموم کوشیدن و جوشیدن، و سود خود فدای سود مسلمین کردن و دست و دل از خلق شستن، و سراپا با جسم و جان بخدای متعال متوجه بودن، با آه و ناله ستمدیدگان هم آواشدن تا لحظات واپسین خیر خلق خواستن، از دعوت بحق و ارشاد نیاسودن، از صدمه جسم، و آزار روح دل‌سرد نگشتن، و پیوسته دم از خدا زدن، و دعای خیر کردن و سرانجام مقتول و یا مسموم برضای خدا و رحمت حق پیوستن، خاصه خاندان پاک رسول (ص) است و اینها خود دلائل محبویت و مزیت ویژه ایشان است (۱) .

کشور اسلامی در عصر امام (ع)

کشور پهناور اسلامی آن‌روز که مصر را بعنوان يك استان در قاره آفریقا داشت و از این سوی دیگر از راه اندلس در قلب اروپا و کشور های گل نفوذ کرده و از آسیا تا بدیوار چین را زیر پر گرفته بود. آسیا، اروپا، آفریقا، سه قاره بزرگ با ملل مختلف، نژادهای گوناگون و زبان‌های متنوع منطقه وسیع اسلامی را تشکیل میداده است و مسلم است که اداره این خاک پهناور با وسائل نقلیه آن‌روز چه دشوار بوده است و انگهی مردم مسلمان با تمام فشار بنی‌امیه و بنی عباس بیدار شده و دانسته بودند که «خلافت» و امامت از آن خاندان رسول است بدین علت و علل دیگر سرداران باختلاف برخاستند خاصه طاهریان از خراسان .

دعوت از امام (ع)

مأمون خلیفه وقت از چاره اندیشی بماند مشورت‌ها نمود و اندیشه‌ها کرد صلاح چنان دید که از نام و آبروی شخصیتی شخیص که مورد قبول خاص و عام است در ایجاد آرامش و امنیت کشور استفاده کند چنین بزرگ و بزرگوارى که تمام مسلمین و حتی اهل کتابش بزرگی

(۳) الی الله تدعون والی سبيله ترشدون و بقوله تحکمون ... عادتکم الاحسان و سجتکم الکریم .

(از زیارت جامعه کبیره)

بپذیرند، و بلیاقت بستانند، بجز وجود امام حضرت علی بن موسی الرضا (ع) کسی نبود (۱) . این بود یکی از جهات دعوت مامون از امام (ع)، مامون به مرو و امام در مدینه بودند پس از این دعوت که درحقیقت «احضار» بود پس از ورود امام به مرو بعللی چند که موجب طول مقال است (۲) این عهد نامه را مامون بخط خود بنام امام نوشت و ارکان حکومتش بیعت کردند، و مشاورین و نزدیکانش شهادت خودنوشته و امام هم بخط خود در ظهر عهد نامه و بین سطور خط مامون جواب نوشتند .

ترجمه عهدنامه

ترجمه این عهد نامه تاریخی در این مبارک نامه که منسوب بمرقد مطهر امام است ، بسی مناسب مینمود تا دوستاناران صاحب دل و اهل ولایت را بکار آید و اهل تحقیق از ملل دیگر گوشه‌ای از زندگانی يك نمونه کامل تاریخ اسلام را ببینند خود اعتراف دارم این ترجمه آن چنان که باید رسا نیست اما بحد خود کوشیدم که متن محفوظ و ترجمه رسا و موجز و سلیس باشد بمناسبت موضوع عناوینی بر ترجمه افزوده و متن عهد نامه را با يك نسخه خطی (۳) و دوسه نسخه مطبوع مقابله و موارد اختلاف را نوشتم امید است پیشگاه امام (ع) مقبول افتد ، و اهل نظر از راهنمایی دریغ نفرمایند .

اربلی گوید

» علی بن عیسی اربلی (۴) گوید بسال ششصد و هفتاد هجری یکی از
 » کارگردانان مشهد شریف امام علی الرضا بن موسی (ع) بما وارد شد و
 » عهدنامه‌ای که مامون بخط خویش نبشته و بین سطور و در ظهر آن بخط
 » امام (ع) نوشته‌های چندی بود با خود آورد . محل قلم امام را بوسیدم
 » و در بوستان کلامش بگردش پرداختم و آگاهی بر آنرا از الطاف و
 » نعمتهای او شمردم و همه را حرف بحرف نقل نمودم (۵) . «

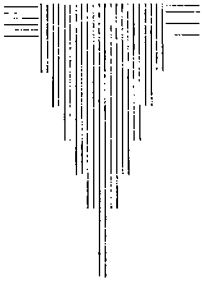
۱ - به متن عهدنامه بخط و انشاء خود مامون رجوع فرمایند .

۲ - بکتاب مبسوط در این باره رجوع شود. مانند: بحار الانوار، عیون اخبار الرضا، صحیح الاعشی، کشف الغمه و فیات الاعیان، و.....

۳ - نسخه خطی شماره ۵۲۲ مسجد جامع گوهر شاد .

۴ - اربلی ابن الفخر بهاء الدین ابوالحسن علی بن ابی الفتح فخرالدین اربیلی متولد ۶۲۵ متوفای ۶۹۲ مدفون در منزلش واقع در محله غربی بغداد فهرست کتابخانه آستان قدس بح ۵ ص ۱۵۶ و احقاق الحق ج ۱ ص ۲۹

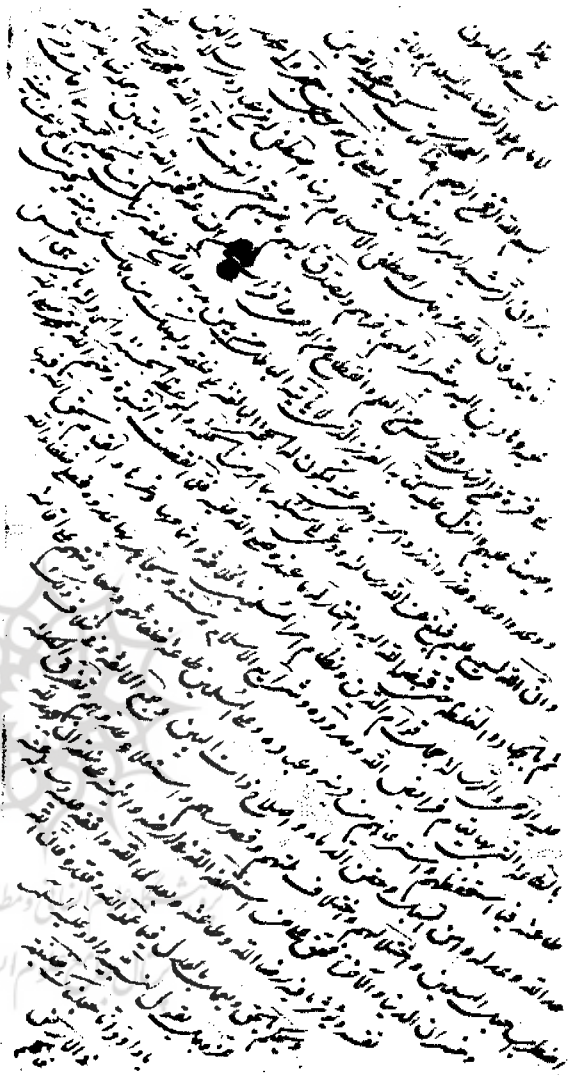
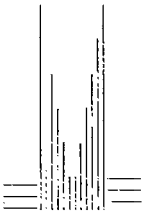
۵ - کشف الغمه سنگی ۱۲۹۴ ص ۲۷۸



شرح صفحهای از متن عهدنامه ولایتعهدی

حضرت رضا (ع) در يك

نسخه خطی نفیس



ترجمه نوشته مامون یا عهد نامه

بسم الله الرحمن الرحيم .

این نامه ایست که امیر المؤمنین عبدالله پسر هارون الرشید (۱) برای علی بن موسی بن جعفر (ع)

۱- عبدالله مامون هفتمین خلیفه از سلسله خلفای بنی عباس فرزند هارون الرشید است که برادر نامادری خود «امین» را بر سر خلافت بقتل رسانید مدت حکومت عباسیان از سال ۱۹۸ - ۲۱۸ هجری قمری است خلفای بنی عباس ۳۷ تن سر سلسله احمد سفاح و آخرین خلیفه المستعصم بالله بود که توسط هلاکو منقرض شدند .

ولیعهد خود نوشته است اما بعد: همانا خدای عزوجل دین اسلام را برگزید و از بندگانش پیامبرانی انتخاب فرمود که بر ذات پاکش دلیل و بسویش راهنما باشند پیامبران اول بآمدن انبیاء بعد مژده دادند و همه پسینیان برآستی دعوت پیشینیان خود تصدیق کردند تا سلسلهٔ پیامبری پروردگار بمحمد (ص) انجامید رسالت محمد(ص) در دوره فترت رسل و اند راس علم و انقطاع وحی و تزدیکی قیامت بود .

خداوند با بعثت محمد (ص) انبیاء را ختم فرمود، و ویرا گواه صدق و حافظ دین و میهن و سرور پیامبران قرارداد و کتاب گرامی خویش را باو فرستاد . کتابیکه **لایاتیه الباطل من یسن** **بذیه و لامن خلفه تنزیل من حکیم مجید (۱)**

حلال و حرام

آنچه را حلال نموده یا حرام فرموده و عده نیک داده یا وعید از عذاب بر حذر داشته و ترسانیده فرمان باتیان امری داده و یا از امری بازداشته است تصور باطل و گمان نقض نمیرود تا حتی بالغ بر خلق خدای باشد :

لیهلك من هلك عن بینة و یحیی من حی عن بینة و ان الله لسمیع علیم (۲) .

رسول اکرم (ص)

رسول گرامی (ص) از سوی خداوند وظیفه رسالت خویش برسانید و براه خداوندی همگان را بدانچه خدای فرمان داده از حکمتها و پندهای خوب و سخن نیک گفتن و روش نیکوتر، رسالتش را ابلاغ فرمود سپس به پیکار و جهاد مامور شد تا بگاهی که خداوندش بسوی خود ببرد و نعیم خاص خویش بسودش برگزید خداوند برو درود فرستد .

خلافت

چون بعثت انبیاء و وظائف پیامبری پایان یافت و خداوند با محمد (ص) وحی و رسالت را ختم نمود قوام دین و نظام کار مسلمین را به «خلافت» قرار داد (۳) عزت و تمامت خلافت و قیام بحق را بسته بطاعتی قرار داد که فرایض و حدود و شرایع اسلام و سنن الهی را با کوشش تمام و پیکار با اعدای خداوند احیا کند سپس بر خلفای خداوندی است که طاعت خدای کنند که حضرت او جل جلاله حفظ حدود دین، و نگهبانی بندگان خود را بدیشان واگذارده است و بر

۱ - آیه ۴۲ فصلت جزو قرآن کریم .

۲ - آیه ۴۴ سوره انفال جزو ۱۰ قرآن مجید

۳ - اول من سمی خلیفه ابوبکر الصدیق حین ولی الخلافة (ص ۴۱۳ ج ۱ صبح الاعشی) .

مسلمین استکه از خلفایشان فرمان برند و بر اقامه حق خدا و عدل او یاریشان کنند تا خونها محفوظ بماند و راهها و رهپیمایان در امن و امان باشند، و پراکندگان جمع گردند، و اصلاح ذات‌البین شود، در صورت خلاف این، رشته وحدت مسلمین باضطراب کشد، اختلاف افراد، اختلال ملت، شکست دین، و چیرگی دشمنانشان پدید آید، چه که عقاید پراکنده و گفتارشان جدا جدا و زیان دنیا و خسران آخرت نصیبشان خواهد گشت .

وظیفه خلیفه :

پس بر هر که خداوندش در زمین «خلافت» بخشود، و امین بر خلقتش برگزید، سزد که بجان در ره خدای بکوشد، و در آنچه رضای خدای و طاعت حضرت اوست بتمام نیرو اقدام کند، و اسباب انجام آنچه خداوند از او بخواهد فراهم سازد و بحق عمل کند، و بوظائفی که خدا از او خواسته، بدادگری عمل نماید: پروردگار عزوجل به پیامبرش داود (ع) فرمود:

يا داود انا جعلناك خليفة في الارض فاحكم بين الناس بالحق و لاتتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله لهم عذاب شديد بما نسوا يوم الحساب (۱) و قال الله عزوجل فوربك لننزلنهم اجمعين عما كانوا يعملون (۲) .

و بما چنین رسیده که عمر بن خطاب می‌گفت : «اگر بزغاله‌ای در ساحل فرات ضایع شود، بیم از آن دارم که خداوندم از آن ببرد (۳) بعزت و عظمت خداوندی سوگند است که مسئولیت انفرادی شخص بر عمل خاص در مقابل پروردگار که چه سنگین است و خطری عظیم ؟ پس مسئولیت کسیکه اداره امت را بر عهده دارد چه گونه خواهد بود ؟.....»

با تمام این بخداوند اعتماد است و بحضرت او فقط التجا و امید و رغبت، که توفیق بخشاید و از لغزشها نگهدارد و بر راه حق استوار بدارد و بدان سوی که حجت الهی ثابت است هدایت فرماید

۱- آیه ۲۴ سوره ص جزو ۲۳ - ای داود ما ترا در زمین خلیفه قرار دادیم پس بین مردم بحق فرمان ده و از هوای نفس پیروی مکن که ترا از راه خدا بیرون برد همانا آنانکه از راه خداوند بیرون می‌برند عقوبت و عذابی سخت دارند که روز حساب را از یاد ببردند .

۲ - آیه ۹۳ و ۹۴ سوره حجر جزو ۱۴ : «پروردگارت قسم است که البته از تمامشان بازخواست میکنیم از آنچه میکنند» .

۳ - گویند عبدالله بن عمر الخطاب (رض) در بیرون شدن پدرش از این جهان ویرا پرسید که ای پدر ترا کی بینم؟ گفت بدان جهان، گفت زودتر میخواهم، گفت شب اول و یا دوم یا شب سیوم مرا در خواب ببینی، پس دوازده سال برآمد او را در خواب ندید پس از دوازده سال او را بخواب دید گفت یا پدر نگفته بودی پس از شش شب ترا بینم؟ گفت مشغول بودم که درسواد بغداد پلی ویران شده بود و گماشتهها تیمار آن نداشته بودند و گوسفندی را در آن پل دست بسوراخی فروشد و شکست تا اکنون جواب آن میدادم .

آتره که فوزورستگاری خداوندی است و رحمت و رضوان ذات اقدس او جلت عظمته در آنست. از همه امت کسی بینا تر است که در دین خدائی از همگان بیشتر و بیشتر نصیحت کند و بتمامت عمر بکتاب خداوند اوامر او جل جلاله و سنت نبی او (ص) عمل نماید، و با تمامی قوا و رای و نظر درباره کسی که پس از خود جانشین خود تعیین میکند بکار برد، تا کسی را برای «ولایتعهدی» و پیشوائی مسلمین برگزیند که مردم را اداره کند و پناهگاه امت باشد و نشان هدایت تا پراکندگان را گرد آورد و آشفتهگان را بیآراید و بفرمان خداوندی خوششان را بامنیت نگهدارد و از وقوع اختلاف و فسادشان جلوگیری و از وساوس و کید شیطان جامعه را بدور دارد.

ولایتعهدی

بحقیقت خداوند عزوجل پس از خلافت ولایتعهدی (۱) را از وسائل تمامت و کمال و عزت اسلام و صلاح مسلمین قرار داده است و خلفارا باهمیت این امر خطیر ملهم فرموده است کسی را برگزیند که بدو نعمتها زیاده شود و عاقبت شامل گردد و خداوند باشایستگی چنان ولیعهد مکر اهل شقاق، و کید اهل نفاق، و سعی در جدائی مسلمین، و فتنه انگیزیها را درهم شکند، گاهی که خلافت به امیرالمومنین (۲) رسید از بارسنگین و سختی مؤنه، و تلخی شربت خلافت آگاه شد و دانست که گزیدن خلافت، چه وظائف خطیر دارد، از طاعت خدای و مراقبت بر آنچه بعهده مقام «خلافت» نهاده شده است. «خلیفه» نیز تن خویش بانجام آن بداد، و به تشخیص وظائف تمام چشم بدوخت، مدتی دراز اندیشههای طولانی کرد تا عزت دین و قمع مشرکین و صلاح امت، و نشر عدل و اقامه کتاب سنت در چیست؟ و جلوگیری از شکست دین و زیان اهل دین و موجب زوال زندگی خوشگوار مسلمین کدام است...؟! «خلیفه» علم دارد که خداوند در این موارد از وی بازخواست میکند (۳) خلیفه دوست دارد خدا را ملاقات کند و خیرخواه دین و بندگان خداوند

۱ - اول من عهد الی ابنه بالخلافه معاویه عهد بها الی ابنه یزید ثم تبعه اکثر من الخلفاء علی ذالک

(ج ۱ صحیح الاعشی ص ۴۱۴)

۲ - در نظر شیعه امامیه اثنا عشره خلفاء الرسول (ص) افرادی هستند که تعداد و تولدشان بنص رسول از طرف خداوند معین است و نامهایشان معلوم و کیفیت و زندگانی و سرنوشتشان برای رسول (ص) روشن بوده است. و بمدلول کریمه: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و او لوالامر منکم. اینان مخصوص از قبل خدا و معروف از جانب رسول (ص) و معصوم از خطا و گناهند، و تعیین و نصب و انتخاب این افراد در وظیفه کسی نیست و خودشان مستقلاً نمیتوانند برای خود «ولیعهد» معین کنند و قبول و امضای ولایتعهدی مامون از سوی امام (ع) برای آن بود که امام مخصوص بحق از طرف خدا، و رسول بود و با فشار و موجبات آنروز فقط حق خود را بدان صورت پذیرفته است. رک: فصول خواجه نصیرالدین طوسی - تلخیص الشافی شیخ طوسی و سایر کتب اخبار و کلام شیعه.

۳ - و قوهوم انهم مسئولون عما کانوا یعملون. (قرآن کریم) کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته (حدیث نبوی)

باشد و برای رعایت امت ، ولایتعهدی خویش پس از خود کسی را برگزیند که دست یافتن به فضل از او در دین و علم و دانش و پارسائی مقدور نیست .

کسیکه اقامه او امر خداوندی از همه بیشتر بدو امید میرود، و با خداوند متعال نیز در این کار از ره «استخاره» نیاز خویش روزان و شبان براز گفتم، که در انتخاب ولیعهد خداوندم بکسی الهام فرماید، که اطاعت و رضای حضرت او نیز در آن تعیین و انتخاب باشد، خلیفه در خاندان و فرزندان عبدالله بن عباس و علی بن ابیطالب، بسی بامعان نظر نگریم از آنان که حال و مذهب و علم و شخصیتشان معلوم، یا مکتوم بود همرا از ره تحقیق و استفسار و سؤا و دیدن و امتحان بیازمود، پس از کوشش در تحقیق و تشخیص «اولاد علی بن ابیطالب و عبدالله بن عباس» و استخاره با خداوند متعال در دو خاندان کسی که بر حقیقت و شخصیتش همه اجماع دارند ، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب است .

گواهی مامون در باره امام (ع)

خلیفه چون فضیلت بلند تر از همه و دانش خالص روشنی بخش، و پارسائی آشکار، و زهد با اخلاص، و پیراستگی از دنیا، و قبولی و تسلیم مردم را درباره او بدید، و هم برای مقام خلافت روشن است که این اخبار در فضل و فضیلت و برتری «علی بن موسی» از تمامی مردم بالاتفاق است که از دوره صباوت و کودکی و جوانی و کمال، تمامی باتقوی و فضیلت بوده و همه در این باره اتفاق و اعتراف دارند، و در این انتخاب ولیعهد و پیمان ولایتعهدی خلیفه بخیر خداوندی اعتماد دارد چه خداوند میداند که خلیفه از ره «ایثار» براه حضرت او جل جلاله و خیر دین و عنایت به اسلام و مسلمین، و طلب سلامت و ثبات حق، چنین پیمان بست تا در روزی که مردم بدرگاه پروردگاری ایستند نجات یابد. امیر المومنین فرزندان و خاندان و خواص بزرگان و کارگزاران قضائی و فرماندهان لشکری و خدمتگزاران و تمام خاندان و خانواده خلافت را بدین پیمان (ولایتعهدی) بخواند و سرعت تمام و شادمانی کامل بیعت کردند چه که میدانند خلیفه طاعت پروردگار را بر هوای نفس خود مقدم داشته است «ولایتعهدی را برای خدا بچنین کسی واگذارده است» و از خاندان خلافت کسانی که پیوند قرابتشان بیشتر و بیشتر است وجود دارند و حضرتش را «رضا» نامید که امیر المومنین بدان امر رضایت دارد همه خانواده امیر المومنین و هر که در پایتخت بود از فرماندهان و لشکریان و توده مردم برای امیر المومنین و برای «رضا» پس از خلیفه بیعت کردند .

بیعت نمودند

بنام خدا وبرکت وحسن قضای حضرت او نسبت به دین و بندگان او بیعت نمودند، چنان پیمان بستند که دستها گشاده، ودلها مسرور بود ومقاصدی را که امیرالمومنین از این عهد نامه اراده دارد میداند. میدانند که اطاعت خدای را بر نفع خویش وشما مقدم بداشت و شما باید سپاس خداوند بگوئید که خلیفه را بدین امر خطیر ملهم فرمود که حق خدائی را ادا کرد و هم رعایت حقوق شما گردید واین توفیق از بسیاری حرص واصراری بود که برای صلاح و رشد شما دارد امیدوار باشید که این پیمان در جمع والفت ونگهداری خون شما وجبران شکستگیها ونگهداری مرزهای شما ونیروی دین وذلت دشمنان شما واستقامت کارهای شماست .

بشاید واز یکدیگر پیشی گیرید بسوی طاعت خدا واطاعت امیرالمومنین که طاعت خداوند مایه امن است اگر بسویش بشنابید وحمد وستایش خداوند را برای این توفیق بجا آورید که به نصیب وبهره اش خواهید رسید (یا خط را میشناسید که خط خلیفه است) .
خلیفه بدست خود این پیمان نامه را نوشت در روز دوشنبه هفتم ماه رمضان سال دویست و یک . پایان عهد نامه .

ترجمه آنچه امام در ظهر این عهد نامه نوشته اند در شماره آینده .

از خدای پرهیزید

قَالَ عَلِيُّ السَّلَامِ اتَّقِ اللَّهَ الَّذِي لَا بُدَّ لَكَ
مِنْ لِقَائِهِ وَلَا مُنْتَهَى لَكَ دُونَهُ .

(غررالحکم ۱۱۹)

از خدائی بترس که ناگزیری (رحمت یا عذاب) او را ملاقات کنی ،
و مقصدی بجز او نداری .

علی امیرالمومنین (ع)